سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

نام کتاب: تقویم المحسنین — برگ اول ناقص

مولف متن: ملا محسن فیض کاشانی

شارح .... مترجم ....

تاریخ تحریر: ۱۲۴۱ ق نوع خط: نسخ تعداد سطر: ۱۷

نام کاتب: محمد تقی بن حسین سبزواری

موضوع: احکام زبان: فارسی عدد اوراق: ۲۷

طول: ۱۵ عرض: ۸٫۵ شماره عمومی: ۳۳۲۹۷

وقفی / خریداری: آستان قدس رضوی تاریخ وقف: خرداد ۸۵

ملاحظات: مجموعه جلدی از پنج رساله

ضمیمه دارد

از حدیث چند تمیز دهنده نیک و بد از ساعات و ایام پیدا
کردم رساله که کامل است به ترتیبی خوش آیند و نظامی نیکو ثبت نمودم
خلاصه آنچه احادیث و روایات در این باب وارد شده که هر کس غیر
ماه و متغیر نمیشود و این رساله را تقویم المحسنین در معرفت ساعات سال
و ایام و هفته و ماه و سال تمام نمادم پس خوشا احوال کسی که بآن عمل
نماید به نیکو ماند او را ناسخ تقویم منجمین [illegible]
که خدا سبحانه در شان ایشان فرموده که ان الله مع المحسنین
خدا سبحانه تعالی مشتمل باشد به نیکوکارانست تا نزدیک شود برحمت [illegible]
چرا که خدا تعالی فرموده که ان رحمة الله قریب من المحسنین
بهشت رحمت خدا نزدیک است به محسنین نیکو کنندگان [illegible]
تالیف این رساله نیست الا برضاء خدا سبحانه [illegible] خدا تعالی
ضایع نمیکند اجر محسنان را و مرتب ساختم این رساله را بر مقدمه
فصل چند و خاتمه [illegible] و نصیحت [illegible] در بیان
حدیث چند است وارد از معدن رسالت و منع از تصدیق قول منجمان
از آنجمله پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که من آمن بالنجوم فقد کفر
یعنی هر که ایمان آورد بنجوم بیقین کافر گردید و از عبدالملک بن اعین
از جمله کبار اصحاب امام همام جعفر بن محمد علیهما السلام بود مرویست

گفت عرض کردم بخدمت ابی عبدالله که من باین علم مبتلا شده‌ام
پس کاری را که اراده میکنم نظر بطالع میکنم چون طالع را خیر دیدم
اقدام در آن کار مینمایم پس آنحضرت در جواب فرمود که هرگاه
بطالع خیر از پی حاجتی رفتی آنحاجت بر میشود گفتم آری فرمود
کتابهای خود را که در این علم داری بسوزان و دیگر از هشام
خفاف روایت که گفت حضرت ابی عبدالله بمن گفت که بصیرت تو
بنجوم چگونه است گفتم نگذاشتم بعراق احدی را که بصیرتش از من
بیشتر باشد پس آنحضرت فرمود که دوران فلک بچه کیفیت است
گفت من کلاه خود را از سر خود بیرون کردم و دور دادم یعنی گردش
فلک باین کیفیت است پس آنحضرت فرمود که اگر دوران این نحو باشد
پس چرا بنات نعش و جدی و فرقدان هیچ روزی از روزها در طرف قبله
نیست گوید گفتم والله که این چیزیست که من معرفت بآن ندارم
و از هیچیک از اهل حساب نشنیده‌ام که این را ذکر کرده باشد پس حضرت خطاب
بمن کرده فرمود که سکینه نسبت بزهره چند بار است در روشنی
هشام خفاف گوید که عرض کردم که والله که این ستاره‌ایست که من هرگز
از کسی نشنیده‌ام که او را ذکر کرده باشد پس آنحضرت فرمود سبحان الله
شما ستاره را تمام انداخته‌اید پس بنای حساب شما بر چه چیز است باز

فرمود

فرمود که بگو روشنی زهره چند جزو است از روشنی قمر هشام
گوید گفتم این چیزیست که احدی بجز خدای عز و جل بآن علم ندارد
و باز فرمود که قمر در روشنی چند جزو آفتاب است گوید گفتم
من معرفتی باین ندارم حضرت فرمود راست میگویی دیگر فرمود
که چیست حال دو لشکر که بهم برخورند و حال آنکه در این لشکر حسابی
و منجم باشد که بحساب خود حکم کند برای صاحب خود بظفر و در آن لشکر
نیز اهل حساب و منجمی باشد که بر طبق حساب خود حکم کرده باشد
برای صاحب خود بظفر پس آن لشکر چون بهم زنند یکی از این دو
لشکر آن دیگری را منهزم سازد پس در این حال نجوم که منجم لشکر
گریخته باعتبار آن برای صاحب خود حکم بظفر کرده بود کجا رفت
شد گوید گفتم والله علم باین ندارم پس فرمود که راست میگویی
بدرستیکه اصل حساب حق است و لیکن نمیداند مگر شخصی که موالید
خلق همه را بداند پس معلوم شد از این احادیث سابقه که علم
نجوم را هیچکس نمیداند بجز ائمه علیهم السلام نه منجمانیکه بگمان
خود در آن علم اعتماد دارند که اکثر آن گمانها از جهل ناشی شده و
برای اثبات مقدمات خود ترتیب داده اند مستند به برهانی نیست بلکه در
آن مقدمات ادعای تجربه مینمایند و میگویند چه بسا باشد که با خصم خود

بقیاس شعریه یا خطابیه مجادله نمایند و مطالب خود در خواهند
اثبات کنند به دلیلی چند که مقدمات آن از شعریات یا خطابیات
باشد پس بنابراین اعتمادی باقوال و احکام ایشان نخواهد بود
با اینکه از معدن نبوت محکم وارد شده از تصدیق قول ایشان منع و
واقعست است از اینکه شخصی بسخنان ایشان عمل کند نقلست که در
سال پانصد و هشتاد و دو بنا از هجرت نبویه قران زحل و مشتری در
برج میزان واقع شد و آن برخیت صوائی منجمان از آنجمله انوری شاعر بود
حکم کرد بانکه معموره زمین در فلان روز به باد خراب خواهد شد و مردم
بسیار از این خبر ترسیده عمارت در زیر زمین بنا نهادند و در آن روز
اصلا باد نشد و سلطان طغرل غزنوی تا چراغ بالای منار روشن کردند و آن
چراغ بماند و بعضی اکابر در شان این حکایت شعر میگفته اند بیت انوری گفت
کز سبب بادها سخت ویران شود عمارتها و کوهها بر تری در روز
حکم نو زین است صحباد یا مرسل الریاح تو دانی و انوری **فصل** در بیان
اختلافی که در روزها و سالها نزد اهل شرع و روم و فرس و منجمین و تحقیق
پس گوییم مشهور نزد اهل شرع اینست که شبانه روز عبارتست از غروب
آفتاب که تحقیق آن پنهان شدن قرص است تا بر طرف شدن حمره مشرقیه
علی الاختلاف الروایتین تا غروب دیگر یعنی ابتدای شبانه روز نزد اهل شرع

بنابر مشهور

بنابر مشهور غروب آفتابست و انتهای او غروب دیگر و نزد روم
شبانه روز از طلوع آفتاب تا طلوع دیگر و نزد منجمان از زوال آفتاب
تا زوال دیگر و در نزد اهل شرع از طلوع فجر ثانیست تا غروب آفتاب
بنابر مشهور و نزد غیر اهل شرع روز از طلوع آفتاب تا غروب و پوشیده
نماند که بعد از تحقیق زمان روز بنابر مذهب مشهور زمان شب معلوم است
اما ماهها پس نزد اهل شرع معتبرند نسبت بسیر قمر پس ماه نزد ایشان
عبارتست از مفارقت قمر وضعی که مفروض است از برای او با آفتاب و آن وضع را
محاق گویند و آنرا با آفتاب وضعها متعدد هست و هر وضعی شکلی دارد
و مبدا اشکال را شکل هلال گرفته اند و زمان متوسط میان هلالی تا هلال
دیگر با اختلاف سیران قمر و اختلاف مثالش مختلف است چه از دیدن
هلالی تا هلالی دیگر را ماه هلالی و ماه عربی گویند و نام ماههای عربی
مشهورات و سال نزد ایشان یعنی نزد اهل شرع دوازده ماه است
اثنا
عدد آن ماهها ایشان خدای تعالی میفرماید ان عدة الشهور عند الله
اثنا عشر شهرا فی کتاب الله یعنی بدرستیکه شماره ماهها نزد خداوند دوازده
ماه است در کتابش یعنی در آنچه ثبت کرده و مقرر نموده و اما نزد غیر اهل
شرع ماه و سال نزد ایشان نسبت بغیر آفتاب اعتبار کرده شده پس ماه
حقیقی نزد ایشان عبارتست از زمان نزول شمس است در اول برجی از برج

تا نزول او در برج دیگر که بعد از آن در پهلوی اوست و ما باین معنی
باختلاف مقدار زمان بودن شمس در برج مختلف میشود چه آفتاب
در بعضی بروج سی و یک روز و دوازده ساعت منزل دارد و این درازترین
ماهها است و در بعضی بیست و نه روز و نه ساعت میباشد پس ماه فارسی
عبارتست از زمان حلول شمس در اول برجی از بروج تا از آن برج بیرون
رود یعنی زمان بودن شمس در هر برج ماه فارسی گویند و اسامی ماههای
فارسی که قدیم میدانند اینست فروردین اردی بهشت خرداد تیر مرداد
شهریور مهر آبان آذر دی بهمن اسفندار سال حقیقی نزد غیر اهل شرع
عبارتست از زمان مفارقت آفتاب نقطه را که فرض کرده شود از فلک
بروج تا برگردد بسوی همان نقطه بحرکت خاصه خود که از مغرب بمشرق است
و زمان مفارقت آفتاب از نقطه مفروضه از فلک بروج تا برگردد بسوی
همان نقطه سیصد و شصت و پنج روز و پنج ساعت و پنجاه دقیقه و دوازده
ثانیه است بدانکه نوروز فرس نزد نزول شمس است به برج حمل بگفته شیخ
احمد بن فهد در موافق آنچه سید بن طاوس قائل شده که ابتدای خلق عالم در
آفتاب بحمل بوده پس اینست که این روز عید باشد و مؤید این قول است
اینکه مردم از لفظ نوروز روز نزول شمس در حمل میفهمند و غیر این بعض
اشارات نمی آید چنانکه هرگاه لفظ نوروز بذهن میرسد می آید جدول و آنچه متعلق

بسال است

بسال است بباید دانست تقدیم ماه رمضان در ماهها قویست
چه ماه رمضان نزد آل رسول صلوات الله علیهم اول سال است چنانچه
در احادیث وارد شده هر چند نزد ارباب تاریخ محرم اول سال است
ماه رمضان در روز اول آن از سال دویست و یک از هجرت بنابر اشهر
بیعت حضرت امام رضا وقوع یافت و در سیم آن صحیفه بحضرت ابرهیم
نازل شد و در ششم آن توریه نازل شد و در دهم آن از سال دهم از
مبعث پیغمبر خدیجه وفات یافت و در همین سال بیش از خدیجه بسه
روز ابو طالب وفات یافت باین سبب پیغمبر آن سال را عام الحزن نام نهاد
و در سیزدهم آن انجیل نازل شد و در نیمه آن حضرت امام حسن متولد
شد و در این روز از سال نود و پنج از هجرت جواد ع متولد شد و شب
هیفدهم از آن شب بلا رات و در روز آن واقعه بدر دست داد و در
هیجدهم آن زبور نازل شد و در شب نوزدهم حضرت امیر المؤمنین ع را
ضربت زدند و در این شب فدحاج نوشته میشود و در بیستم آن از سال
هشتم از هجرت فتح مکه شد و علی ع پای خود را بر کتف پیغمبر نهاد و بتان
که در دیوار کعبه بودند از جای خود کند و انداخت و در شب بیست و
یکم پیغمبر را باسمان بردند و حکایت معراج که مشهور است وقوع یافت
و در این شب عیسی را بالا بردند و در این شب موسی و یوشع و علی بن ابی طالب

قبض روح اطهر اقدس نمودند و وفات علی ع در این شب از سال چهلم
از هجرت وقوع یافت و شب بیست و سیم لیلة الجهنی است و آن را
قصه ایست مشهور و در شب بیست و چهارم قرآن نازل شد
ماه شوال روز اول او عید فطر است و در این وحی کرد پروردگار
بسوی نحل صنعت عسل را که بچه کیفیت و بچه جا خانه برای عسل سازند
و جمع کنند و در نیمه آن علی الاشهر جنگ احد دست داد و آفتاب
برای علی ع بر گردانیده شد و در آخر همین ماه بود آن روز که حق تعالی
قوم عاد را به باد هلاک گردانید ماه ذی القعده در اول روز
با موسی ع مواعده کرد که شب در کوه طور بماند و با وی مناجات کند و در پنجم
آن حضرت ابراهیم و اسمعیل دیوارهای خانه کعبه را بلند کردند و در
بیست و سیم وفات مولای ما ابی الحسن علی بن موسی الرضا ع واقع شد و
آن در سال دویست و سه از هجرت بود علی الاشهر و در بیست و پنجم علی
الاشهر ولادت حضرت ابراهیم و حضرت عیسی ع واقع شد ماه ذی الحجه
در روز اول او دو سال از هجرت گذشته بود علی الاشهر که پیغمبر ص
فاطمه را بعلی تزویج نمود و در سیم آن توبه حضرت آدم را ع قبول کرد
و در هفتم آن حضرت موسی ع بر ساحران غالب شد و هشتم آن روز
الترویه است و نهم آن روز عرفه است و در این روز پیغمبر ص دعای

بجمعه را

چند را که از خانه بمسجد او باز میشد مسدود گردانید الا در
خانه علی ع بود و بعضی گفته اند که معراج در این روز بوده و قبول
توبه داود در این روز نازل شده و دهم آن عید اضحی است و سیزدهم
ایام تشریق و هجدهم آن روز عید غدیر است و در این روز مواخاة
و برادری میان اصحاب خود انداخت و قرار داد و هر دو کس را از اصحاب باهم
برادر گردانید و در دوازدهم رمضان نیز گفته اند و در این روز
برای علی ع بیعت گرفته شد و در این روز ابراهیم از آتش نجات یافت
و حضرت موسی یوشع را و حضرت عیسی شمعون الصفا را در این روز وصی
خود گردانید و حضرت سلیمان آصف بن برخیا را در این روز خلیفه خود
گردانید و شب نوزدهم علی ع زهرا را داخل شد و زفاف کردند و در بیست
چهارم آن امیر المومنین ع خاتم خود را در اثنای رکوع تصدق نمود
و همین روز مباهله بود و در بیست و پنجم آن سوره هل اتی در شان
آل عبا نازل شد ماه محرم الحرام روز اول آن بسیار معظم بود نزد
ملوک عرب و در این روز خدای تعالی دعای زکریا را مستجاب گردانید و
و حضرت ادریس ع را داخل بهشت کرد و در سیم آن حضرت یوسف ع را
از چاه خلاصی داد و در پنجم آن عبور حضرت موسی ع از دریا واقع شد و در
هفتم آن سخن گفتن حق تعالی با موسی بر سر کوه طور واقع شد و در نهم آن

حضرت یونس از شکم ماهی بیرون آمد و در اینروز ولادت موسی ع
و یحیی و مریم واقع شد و در دهم آن شهادت حضرت امام حسین ع
واقع شد و بیست و نهم آن قبله بیت المقدس شد و در همین روز عذاب
بر اصحاب فیل نازل شد و در بیست و پنجم آن وفات حضرت علی بن الحسین ع
واقع شد ماه صفر المظفر در اول آن سر مبارک حضرت امام حسین ع
بدمشق داخل ساختند و زید بن علی بن الحسین را در اینروز شهید کردند
و در بیستم اینماه مسلم بن عقبه جامه کعبه را بسوخت و دیوار کعبه را
آتش زد و در اینروز ولادت حضرت امام محمد باقر ع روی زمین منور
شد بنابر اشهر اقوال و آن در سال پنجاه و هفت از هجرت بود و در هفتم
آن واقعه هایله حضرت امام حسین ع حادث شد و ولادت حضرت امام
موسی ع در اینروز بود و در بیستم آن حضرت امام حسین ع بمدینه رجوع
فرمودند و شب آخر این ماه آن بود که واقعه هایله وفات حضرت
رسول خدا ص دست داد ماه ربیع الاول در شب اول علی الاشهر پیغمبر ص
از مکه هجرت نمود و علی ع بر فراش او خوابید و آن شب را بروز آورد
و در روز اول آن مشرکان بدر غار که اسم آن ثور بود بطلب پیغمبر ص رفتند
و در چهارم اینماه پیغمبر از غار بیرون آمده متوجه مدینه شد و
در روز دوازدهم بمدینه رسید و در هشتم اینماه علی الاشهر حضرت امام حسن ع

عسکری ع وفات کرد و در نهم آن عبد المطلب جد پیغمبر ص وفات
کرد و در دهم آن پیغمبر ص خدیجه را بحباله نکاح خود در آورد و پیغمبر
در آنوقت بیست و پنجساله بود و خدیجه چهل ساله و در چهاردهم یزید
ملعون مرد و بجهنم واصل شد و در همین هفدهم آن مولود شریف پیغمبر
و مولود حضرت صادق ع واقع شد ماه ربیع الثانی در چهارم آن علی
الاشهر از سال دویست و سی و دو امام حسن عسکری ع متولد شد و عالم را
بنور جمال شریف خود منور ساخت و در دهم آن در سال دویست و هشتاد
از هجرت بروایتی مولود حضرت امام حسن عسکری ع بود و در روز دوازدهم
آن در اول سالی از هجرت علی الاشهر فرض نماز حضر و سفر مستقر شد
ماه جمادی الاول در نیمه آن ولادت حضرت سجاد صلوات الله علیه
وقوع یافت و در اینروز واقعه جمل و نزول نصر بر امیر المؤمنین ع دست داد
ماه جمادی الاخر در روز اول آن ملک بر پیغمبر نازل شد و در بیستم
آن حضرت فاطمه را وفات در رسید و در نیمه آن عبد الله بن زبیر کعبه را
خراب کرد و چون بنا ولایت بست و افتاد برای کعبه دو در قرار داد که
از یکی داخل میشدند و از دیگری بیرون می رفتند و بعد از آن عبد
الملک بن مروان کعبه را بحالتی که بود برگردانید و در بیستم آن بعد از
دو سال از بعثت مولد شریف حضرت فاطمه ع بود ماه رجب المرجب در روز

در احکام ۱۲ ساعت روز دوازده

آن حضرت نوح بکشتی نشست و در سیم آن ماه امام علی النقی وفات کرد
و در پنجم از سال دویست و دوازده از هجرت مولد شریف حضرت امام
علی نقی بود و در دهم آن ماه بولادت حضرت جواد امام محمد تقی منور گشت
زمین پر نور شد و در سیزدهم پیش از بعثت نبی به دوازده سال علی
الاشهر حضرت علی بن ابی طالب در کعبه متولد شد و پیغمبر در آن روز
بیست و هشت سال داشت و در نیمه آن پیغمبر از شعب بیرون آمد و
در بیست و دوم آن هلاک معاویه اتفاق شد و با آنچه مان بود سید
و در بیست و پنجم آن واقعه عظیم وفات حضرت کاظم واقع شد و در
بیست و هفتم آن مبعث نبی بود ماه شعبان و در دوم آن بعد از
دو سال از هجرت فرض روزه ماه رمضان نازل شد و در سیم آن حسین بن
علی در وجود آمد و در نیمه آن ولادت قائم آل محمد روی نمود
در بیان آنچه وارد شده است در ساعات اثنا عشر که روز با آنها قسمت کرده
شده و مراد بساعات در اینجا اجزای روز است نه آن ساعاتیکه نزد ارباب
نجوم معتبر و پیش ایشان مصطلح است ساعت اول و آن مابین طلوع فجر است
تا طلوع آفتاب منسوب بامیر المؤمنین ع و توسل بآن حضرت در این ساعت
برای انتقام از ظلمت نیکو است و این ساعت را دعائیست که در مفتاح الفلاح و غیر آن
از کتب ادعیه ذکر شده و سزاوار است در این ساعت تصدق کردن بآنچه

میسر

۱۳

میسر شود هر چند حقیر باشد و قصد کند بآن صدقه آنچه
در نزد خدا است از اجر و ثواب تا دفع کند خدا او را بسبب آن صدقه
شر آنچه را در آن روز از آسمان بزمین می آید و نازل میشود و هم
چنین سزاوار است که آب پاشیده شود بر سر و رو مالیده شود چه در حدیث
از اصحاب عصمت وارد شده که هر که روی خود را بگلاب بمالد در آن
روز نرسد بوی سختی و فقیری و باید که رو و دستها را بگلاب و بوی خوش
بمالد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و عمامه بر سر نهد و تحت الحنک
و خضاب بر پا کند ساعت دوم از طلوع آفتاب تا بر طرف شدن سرخی آفتاب
و منسوب بحضرت امام حسن ع و متوسل شدن باو در این ساعت برای حاجات
امور دنیا و آخرت محمول است و این ساعت را در توسل بامام حسن نسبت داده
اند که این ساعت منسوب بآن دعا که در کتب ادعیه مذکور است
ساعت سیم از بر طرف شدن سرخی آفتاب تا بلند شدن روز و منسوب
بحضرت امام حسین ع و توسل بآنحضرت برای نجاح امور دنیویه و اخرویه
در ساعت بر آمدن حاجات دخلی عظیم دارد و این ساعت را دعای خاصی است مذکور
در کتاب مفتاح الفلاح و غیره از کتب ادعیه ساعت چهارم از بلند شدن
روز است تا زوال و منسوب بحضرت سید الساجدین و العابدین
و توسل بآنحضرت در این ساعت برای نجات از شر سلاطین و نفی شیاطین است

کاصیت بغایت محکم و محل اعتماد و از آنچیز که عادت جاری شده
بکردن آن در اثنای اینوقت خوردن و آشامیدن است و آداب هر دو
در کتاب ادعیه مذکور است ساعت پنجم از اول زوال تا بکذرد ۵
از زوال تا مقدار چهار رکعت و این ساعت منسوب بحضرت امام
محمد باقر ع و توسل بآن حضرت برای دین و آخرت و آنچه تابع دولت
از عبادت در این ساعت دخلی عظیم در اجابت دارد و دعائی
که در کتب ادعیه مذکور است ساعت ششم از کذشتن مقدار ۶
چهار رکعت است از زوال تا نماز ظهر و این ساعت بحضرت امام جعفر صادق
منسوب و برای آخرت نیکو است و اوراد و دعاییست در کتب ادعیه مذکور ۷
ساعت هفتم از نماز ظهر است تا وقتی که مقدار بجا آوردن چهار رکعت
پیش از عصر بکذرد و این ساعت منسوب بحضرت امام همام موسی ابن
جعفر ع و در توسل بآن حضرت ع در این ساعت برای طلب حاجات از خدا
امید کلی هست در اجابت و این ساعت را دعائیست مذکور در کتاب مفتاح
الفلاح و غیر آن از کتب ادعیه ساعت هشتم از کذشتن مقدار چهار ۸
رکعت پیش از نماز عصر تا نماز عصر و این ساعت مخصوص امام رضا ع
است و متوسل شدن بآن حضرت در این ساعت برای طلب سلامت در سفرها دریا یا بر
و در دریاها در حصول سریع الاثر است و در روز اجابت دخلی عظیم دارد

دارد

۹ و این ساعت را دعائیست که در محل خود مذکور است ساعت نهم
از نماز عصر است تا دو ساعت بکذرد و آن منسوب بحضرت جواد
و در این ساعت متوسل شدن بآنحضرت برای التماس رزق مقرون
۱۰ باجابت است و این ساعت را دعائی هست در کتب ادعیه ساعت دهم
از دو ساعت بعد از عصر است تا پیش از زرد شدن آفتاب و این ساعت
منسوب بامام علی النقی ع و متوسل شدن بآن حضرت در این ساعت
از برای مرتکب شدن امور و توفیق کارها و دادن نوافل و جوایز
محمود است و در این ساعت را دعائی هست مذکور در مفتاح الفلاح و غیر آن
۱۱ از کتب ادعیه ساعت یازدهم پیش از زرد شدن آفتاب باید که در
اینساعت منسوب بامام حسن عسکری ع توسل در اینوقت بآن
۱۲ حضرت برای التماس آخرت نیکو است و تعقیبات دارد ساعت دوازدهم
از زرد شدن آفتاب تا غروب آن منسوب بخلف ائمه و حجة
قائم ع و متوسل شدن بآنحضرت ع برای ایمنی از ترس تاثیر عظیم دارد
حتی وقتی که شمشیر بذبح رسیده باشد اکر تو از او در اینوقت مدد خواهی
و اعلنت نیز خواهی اعانت و مدد تو میکند انشاء الله تع و دعا دارد
که در محل خود از کتب ادعیه مذکور است جدول در بیان آنچه وارد
شده است در احوال ایام از فارسی بحوائج و کارها روز اول

در احکام سی روز ماه ۱۶

۱ حضرت صادق ع فرموده که حضرت آدم ع در اینروز آفریده شد و این
روزیست بسیار مبارک و محمود برای طلب حوائج و دخول بر سلاطین و طلب علم
و تزویج و سفر و بیع و شری و بدست آوردن گوسفند و گاو و شتر و مانند آن
برای نگاه داشتن و شخصی که در اینروز بگریزد زود یافته شود تا هشت شب
می آید پیدا میشود و شخصی که در اینروز بیمار شود به شود و مولود در اینروز
جوانمرد و کثیر الرزق باشد و هرچه او را روزی شود بر او مبارک باشد
۲ روز دوم حضرت صادق ع فرموده که حوا از بقیه گل آدم در اینروز
آفریده شد و این روز برای تزویج و بنا منازل و نوشتن عهود و سفر و
طلب حوائج و اختیار نمودن امور نیکوست و هرکه در اینروز بیمار شود
بیماریش سبک و آسان باشد بخلاف آخر اینروز و مولود در اینروز شایسته
۳ است و در اینروز به پرهیز از عمل سلطان روز سیم حضرت امام
جعفر صادق ع فرمود که روز نحسی است مستمر لباس آدم و حوا در اینروز
از بهشت بیرون کرده شدند پس شغل خود را در اینروز اصلاح کارهای
منزل خود کن و اگر ترا ممکن باشد از خانه بیرون مرو و از ملاقات سلطان
و بیع و شری و طلب حوائج و معامله و مشارکت بپرهیز و گریخته در
اینروز بدست آید و شخصی که در اینروز بیمار شود مشقت کشد و
هرکه در اینروز متولد شود روزیش کشاده و عمرش دراز باشد زود

۴ چهارم حضرت صادق ع فرموده که اینروز شایسته است برای
زرع و صید و بنا و تزویج و مانند آن تحصیل کردن و نگاه داشتن و
مکروه است در اینروز سفر کردن و اگر در اینروز سفر کند بیم آنست که
کشته شود و بلا باو رسد و شخصی که در اینروز متولد شود صالح و
تجارت کند و شخصی که در اینروز بگریزد طلب او دشوار است و پناه
۵ شخصی که او را قوت دهد و نگذارد که احدی را بر او دست یابد روز پنجم
حضرت صادق ع فرمود که روز نحسی است مستمر قابیل شقی در اینروز متولد
شد و در اینروز برادرش هابیل را بقتل رسانید و در این روز بر خود
بویل و نفرین کرده و اول کسی که گریه کرد در زمین او بود پس در اینروز
هیچ کار مکن و از منزل خود در اینروز بیرون مرو و کسی که در اینروز
بدروغ سوگند یاد کند بجزای خود رسد و کسی که ولادت در اینروز
۶ شود حالش شایسته و نیکو خواهد بود روز ششم حضرت صادق ع
فرمود که اینروزیست شایسته برای قضای حوائج و تزویج و صید و
هرکه در اینروز سفر کند در دریا بحر بازگشت خواهد نمود بطریقی که میخواهد
نیکست برای شرای چهارپا و گاو و گوسفند و شتر و کسی که در اینروز گم شود یا
بگریزد بدست آید و اگر بیمار شود به شود و اگر متولد شود ترتیب او نیکو و شایسته
۷ و تام بود و از آفات بسلامت باشد روز هفتم حضرت صادق ع فرمود

که اینروز برای جمیع امور شایسته و نیکست و هرکه در اینروز
ابتدا بکتابت کند تمام کند و هرکه ابتدا کند در اینروز بعمارتی یا
نشاندن درختی عاقبت او محمود و نیک بود و هرکه در اینروز متولد شود
تو بچشم نیکو و شایسته بود و روزی بر او گشاده باشد روز هشتم ۸
حضرت صادق ع فرموده که اینروز برای هر حاجت شایسته است از
بیع و شری و کسیکه در اینروز برای حاجتی بر سلطان داخل شود
حاجتش برآورده شود و مکروه است که در اینروز بکشتی نشیند
و در خشکی سفر کردن و بحجامت رفتن و شخصی را که ولادت در اینروز
اتفاق افتد شایسته بود و حاکم نیکو بکند و هرکه در اینروز بگریزد
براو دست نیابند الا بتعب و هرکه در اینروز گم شود بر سر راه بیاید مگر مشوش
بسیار روز نهم حضرت صادق ع فرمود که اینروز شایسته است بجای هرکار ۹
که اراده کند پس در اینروز ابتدا کن بعمل و قرض ده و زراعت و درخت
نشاندن و هرکه محاربه کند در اینروز غالب شود و هرکه مسافرت کند
مال او و روزی شود و خیر بیند و هرکه در اینروز بگریزد نجات یابد
شخصی که در اینروز بیمار شود سنگین شود و کسی که گم شود در اینروز
هلاکت آید و در اینروز مولود شایسته و نیکو بود و در جمیع احوال و رزق باشد
روز دهم حضرت صادق ع فرمود که نوح ع در اینروز متولد شد ۱۰

و هرکه در اینروز متولد شود بزودی شود و روزی او وسیع باشد
و اینروز برای بیع و شری و سفر نیکست و گم شده در اینروز یافت شود
و شخصی که بگریزد ظفر باو یابند و در حبس افتد و سزاوار برای شخصی
که در اینروز بیمار شود آنست که وصیت کند و در روایتی هست که
اینروز برای هر حاجت شایسته است سوای داخل شدن بر سلطان و
۱۱ هرکه در اینروز بیمار شود به شود روز یازدهم حضرت صادق ع
فرمود که حضرت شیث در اینروز متولد شده برای ابتدای هر کار شایسته
است و بیع و شری و سفر روز نیک بود و از دخول بر سلطان در این
اجتناب باید نمود و هرکه در اینروز بگریزد از روی طوع برگردد و شخصی
که در اینروز بیمار شود امید هست که بهمان نزدیکی به شود و شخصی که در این
روز گم شود دزد و بسلامت یافت شود و شخصی که در اینروز متولد شود عمر دراز
خوش کند و نمیرد تا محتاج و فقیر نشود و از سلطان بگریزد
۱۲ روز دوازدهم حضرت صادق ع فرمود که این روز نیست برای تزویج
و باز کردن دکان و سفر دریا اجتناب باید نمود از واسطه شدن مردمان
و شخصی که در اینروز متولد شود تربیتش شایسته بود و کسی که در اینروز
بیمار شود امید هست که بزودی به شود و در روایتی هست که اینروز
مبارکست بر طلب کنید روزی و حوایج خود را سعی کنید در آنها که برآورده میشود

۱۳ [روز سیزدهم] حضرت صادق ع فرمود که اینروز نحس است پرهیز
کند در اینروز از منازعه کردن و ملاقات سلاطین و از هر
دو مزاد در اینروز روغن نباید مالید و نباید تراشید و هر که در اینروز
گم شود یا بگریزد سلامت یابد و شخصی که در اینروز بیمار شود مشقت
آزار کشد و هر که در اینروز ولادتش اتفاق افتد زیست نکند
۱۴ روز چهاردهم حضرت صادق ع فرمود که اینروز زیبا است برای همه چیز
نیک و نافع است و کسی که در اینروز ولادت یابد تعلیم شود ستمکار و بنا حق بر مردم
غلبه کننده خواهد بود و اینروز برای طلب علم نیک است و برای بیع و شری
و سفر و استقراض و کوبیدن بحر و هر که در اینروز بگریزد گرفتار گردد
و بیمار بد شود ان شاء الله تعالی و در روایتی هست که هر که در اینروز متولد
شود عمر دراز کند و همیشه شعوف خواهد بود و مالش در آخر عمر بسیار
۱۵ شود روز پانزدهم حضرت صادق ع فرمود که اینروز زیبا است برای
جمیع امور شایسته است مگر آنکه خواهد که استقراض کند یا بقرض دهد
و هر که در اینروز بیمار شود زود به شود و هر که بگریزد باز ظفر یابند
و کسیکه در اینروز متولد شود در زبان او لثغه بهم رسد و لثغه در
زبان اینست که الف را بعین و را را به لام و سین را بشین قلب کند و در وقت
۱۶ حرف زدن این سه حرف را این سه حرف بدل نماید [روز شانزدهم]

حضرت صادق ع فرمود که این روز نحس است برای هیچ کار خوب نیست
سوای بنای عمارت و نهادن اساس هر که در اینروز سفر کند هلاک
شود و هر که بگریزد برگردد و اگر گم شود بسلامت بازگشت کند و هر که
۱۷ در اینروز بیمار شود زود به شود و هر که متولد شود دیوانه شود و گر
پیش از زوال متولد شود حالش نیکو بود روز هفدهم حضرت صادق ع
فرمود که اینروز زیبا است متوسط و در این روز از منازعه حذر کردن و از قرض
استقراض کردن اجتناب کن که در اینروز چیزی که بقرض دهد باز نخواهد آمد
و کسیکه قرض کرده آنرا نخواهد داد و هر که در اینروز متولد شود حالش
شایسته و نیکو بود و در روایتی هست که این روز روز نیست مختار
پس طلب کنید در این روز هر چه خواهید و تزویج و بیع و شری کنید و
و بنای عمارت کنید و بر سلطان برای حوائج داخل شوید که بر آورده می شود
۱۸ و در روایتی هست که این روز روز نیست سنگین شایسته هیچ کار نیست
روز هجدهم حضرت صادق ع فرمود که این روز شایسته است
برای هر چیز از بیع و شری و زرع و سفر و هر که با خصم خود در این روز خصومت کند
برادر غالب آید و ظفر یابد و قرضی که در این روز گرفته شود داده شود
و شخصی که در اینروز بیمار شود به گردد و کسی که در این روز متولد شود
۱۹ حالش نیکو بود [روز نوزدهم] حضرت صادق ع فرمود که روز سعید است

حضرت اسحاق ع در اینروز بوجود آمد و این روز شایسته است برای
سفر و معاشرت و طلب حوائج و تعلم علم و خریدن بنده و گاو و گوسفند
و شتر و استر و هر که گم شود در اینروز یا بگریزد براو دست یابند بعد
از یازده شب و شخصی که ولادتش در اینروز بود صالحات و توفیق برای
هر خیر خواهد یافت روز بیستم حضرت صادق ع فرمود که روز بیست ٢٠
متوسط شایسته است برای سفر و قضای حوائج و بنای عمارات و بنیاد
نهادن و درخت زدن نشاندن و بر سلطان داخل شدن و تحصیل مواشی
کردن و کسی که در این روز گم شود اثرش مخفی خواهد بود و شخصی که
در اینروز بیمار شود صعب خواهد بود و هر که در این روز متولد شود ٢١
عیش او بصعوبت خواهد گذشت روز بیست و یکم حضرت صادق ع
فرمود که این روز بیست نحس پس هیچ حاجتی در این روز طلب مکن و از
ملاقات سلطان در اینروز اجتناب کن و شخصی که در اینروز مسافرت
کند براو باید ترسید و هر که در اینروز متولد شود فقیر و محتاج بود
و در روایتی آمده است که برای تزویج خوبست روز بیست و دوم حضرت ٢٢
صادق ع فرمود که اینروز بیست شایسته برای قضای حوائج و بیع و شری و
دخول بر سلطان و صدقه در اینروز مقبولست و اثری عظیم دارد
و هر که بیمار شود در روز به شود و شخصی که در اینروز سفر کند بعافیت برگردد

٢٣
روز بیست و سوم حضرت یوسف ع در اینروز متولد شد و این روز
شایسته است برای طلب و تجارت و تزویج و دخول بر سلطان و هر که
در اینروز سفر کند غنیمت بدست آورد و چیز بسیار بدست او آید و چیزی
بسیار باو برسد و هر کس در اینروز متولد شود نیکو تربیت خواهد یافت
٢٤ روز بیست و چهارم روز بیست بسیار نحس و بد فرعون در اینروز
متولد شد پس هیچ امری از امور در این روز طلب مکن و هر که در این
روز متولد شود عیش او تیره باشد و هیچ توفیق نیابد و در روایتی هست
که اگر شخصی در اینروز بیمار شود مشقت کشد و در آخر عمر کشته شود یا غرق
٢٥ شود و کسی که در اینروز بیمار گشت طول کشد روز بیست و پنجم حضرت
صادق ع فرمود که این روز بیست بسیار شدید و نحس و بد پس خود را
محافظت کن و هیچ حاجتی در این طلب مکن بدرستیکه این روز بیست شدید
البلاء خدای تعالی اهل مصر را در این روز بآیات مبتلی گردانید با فرعون
و شخصی که در اینروز بیمار شود مشقت بسیار کشد و در روایتی هست که
مرض بهوش نیاید و به نشود و شخصی که در اینروز متولد شود مبارک
٢٦ و مرزوق و سخی خواهد بود و علت شدید بدو رسد لیکن سالم شود
از آن روز بیست [illegible] حضرت صادق ع فرمود که این روز بیست برای
سفر هر کاری که اراده کنند نیک است الا تزویج که هر که تزویج کند در آن روز

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت صادق ع فرمود ۱۲
که روز نیست شایسته برای [illegible] که در این روز [illegible] شود
[illegible]
[illegible] که روز [illegible]
[illegible] حضرت صادق ع فرمود که روز نیست شایسته برای [illegible]
و در این روز [illegible] هر که در این روز [illegible] ۱۳
[illegible] حضرت صادق ع
فرمود که این روز نیست [illegible] هر کار شایسته و هر که در این روز [illegible] ۱۶
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ۳۰
[illegible] حضرت صادق ع
فرمود که [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] الحمد لله [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

۲۹

که هرکه از آن اجتناب کند نجات یابد و هرکه در آن ارتکاب امور
اجتناب نکند آزار کشد پس خود را از ارتکاب غیر ضروری نگاه دارید
و در هر سالی دوازده روز است محرم الحرام صفر المظفر ربیع الاول
ربیع الاخر جمادی الاول جمادی الثانی رجب المرجب شعبان المعظم
رمضان المبارک شوال المکرم ذو القعده الحرام ذو الحجة
جدول در بیان روزی چند از ماهها فارسی که برای صحیح
امری خوب نیستند محقق طوسی در ترجمهٔ قول صادق علیه السلام
بنظم آورده بیت سه و پنج و سیزده با شانزده بیست و بیست با بیست
چهار و بیست و پنج جدول در بیان روزی چند از ماهها[ی] تازی
که برای بعضی امور خوب شایسته نیست محقق طوسی در ترجمهٔ
قول صادق آورده چهارم هشتم پانزدهم و چهارم و هفتم یازدهم
و دوازدهم جدول در بیان آنچه وارد شده است از ایام هفته
[illegible] آن اول روزیست که مخلوق شده و آفریدن آن
ابتدا نمودند و آن روزیست که تعلق باآفتاب دارد و ملاقات
سلاطین و ارباب دولت را و نیکو از امیر المؤمنین چنین است
که این روز محمود است برای غرس کردن و بنای عمارت [illegible]
برای قرات و جستن حاجات و تحصیل معاش محمود و شمرده [illegible] بسیار

۱۳۷ در نحوست ایام نحس

روزه و روزه یکشنبه میفرمود و فرمود که ایشان دو روزند
که در این اعمال بالا میروند و من دوست میدارم که عمل مرا بالا
برند در حالتی که صائم باشم و مکروهست در آن سفر کردن و طلب حوائج
بدلیل قول حضرت که مسافرت مکنید در روز دوشنبه و حاجت
طلب منمائید بدلیل حدیثی که از ابو ایوب خزاز روایت کرده که گفت چون
اراده کرده بودیم که بیرون رویم آمدیم برای عبد الله تعالی از
سئوال نمودیم پس آنحضرت فرمود که پندارم که برکت روز دوشنبه را
میخواهید که سئوال کنید گفتیم آری فرمود که روز دوشنبه بشامت
روزی عظیم تر نیست که پیغمبر در این روز از عالم فانی رحلت کرد
و وحی از میان مردم مرتفع شد در این روز بیرون مروید [illegible]
در آیاتی که منسوبند بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام مذکور میشود که
سفر در این روز محمودات [illegible] برای ترتیب است آن
منسوب است بنیک برای ملاقات دشمن و جهاد کردن در راه
خدا و سفر بدلیل قول رسول خدا که فرموده که مسافرت کنید در
روز سه شنبه و حوائج خود را طلب کنید چه این روزیست که
خدای تعالی نرم کرد برای حضرت داود آهن را و در این روز حاجات
نیکواست یوم الاربعاء بعطارد منسوب است نیک برای تعلیم و تعلم

است تا اورا وحده از مفارقت خود صدا کرد و از اینکه در اینروز
برای موسی مکافات شد و کراهت از آن و در این روز داخل شد حسود مشغول
کسیکه در این روز به یمن خود عاقبتش بحق شود و آنکه در اینروز متولد
شود عمرش دراز باشد [illegible] حضرت صادق ع فرمود ۲۱
که روزیست شایسته برای هر چیز و هر کسی که در اینروز متولد شود
و مال
نیکو و صاحب حسن و جمال خواهد بود با الوالدین و کثرت خیر [illegible]
و محبوب مادر خواهد بود و در این روز [illegible] آمده است [illegible]
[illegible] حضرت صادق ع فرمود که روزیست شایسته برای [illegible] ۱۷
و در این روز یعقوب ع متولد شد پس هر که در این روز متولد
شود صحبت [illegible] خواهد بود [illegible] حضرت صادق ع ۲۶
فرمود که این روزیست برای هر کار شایسته و هر که در اینروز متولد
شود خلق خواهد بود و کسی که در اینروز [illegible] مسافرت کند
مال بسیار بدو رسد و هر که بیمار شود [illegible]
در اینروز [illegible] که بکرند [illegible] آمده که
روزیست مبارک شایسته برای هر حاجتی [illegible] سلاطین [illegible] ۳۰
دوستان [illegible] [illegible] حضرت صادق ع
متولد
فرمود که اینروز [illegible] هر که در اینروز

شود صاحب [illegible] و مبارک خواهد بود [illegible] شود [illegible]
بود [illegible] آن [illegible] شود [illegible]
در [illegible] بخت
باشد و هر که در اینروز [illegible] شود [illegible] کم
بیان [illegible] هر که چیزی [illegible] روز [illegible]
[illegible] در [illegible]
[illegible] امیر المؤمنین [illegible] روزیست [illegible]
[illegible] شود [illegible]
[illegible] کنند [illegible] و در [illegible]
محرم الحرام صفر المظفر ربیع الاول ربیع الثانی جمادی الاولی
پانزدهم
یازدهم و چهارم یکم و بیستم یکم و سیم یکم و هجدهم چهاردهم و
جمادی الآخر رجب المرجب شعبان المعظم رمضان المبارک شوال
دهم و چهارم سیزدهم و یازدهم و دوم چهارم و دهم و بیستم ششم
ذی القعده ذی الحجة الحرام [illegible]
[illegible] ششم [illegible]
[illegible] ماه [illegible] نیکست
هست
[illegible] حضرت صادق ع فرمود که [illegible]

که هرکه از آن اجتناب کند نجات یابد و هرکه در آن از ارتکاب امور وارده
اجتناب نکند آزار کشد پس خود را از ارتکاب غیر ضروری نگاه
دارد و در هر سالی دوازده روز است محرم الحرام صفر المظفر ربیع الاول
ربیع الاخر جمادی الاول جمادی الثانی رجب المرجب شعبان المعظم
رمضان المبارک شوال المکرم ذوالقعدة الحرام ذوالحجة

جدول در بیان روزی چند از ماههای فارسی که برای هیچ
امری خوب نیستند محقق طوسی ره در ترجمهٔ قول صادق ع آنها را
بنظم آورده بیت سه و پنج و سیزده با شانزده بیست و یک با بیست و
چهار و بیست و پنج

جدول در بیان روزی چند از ماههای فارسی
که برای بعض امور خوب شایسته نیست و محقق طوسی ره در ترجمهٔ
قول صادق آورده چهارم هشتم پانزدهم و چهارم و هفتم یازدهم
و دوازدهم

جدول در بیان آنچه وارد شده است از ایام هفته

یوم الاحد و آن اول روزیست که مخلوق شده و آفریدن آن را
ابتدا نموده و آن روزیست که تعلق بآفتاب دارد و ملاقات
سلاطین و ارباب دولت در او نیکست و از امیر المؤمنین ع چنین است
که این روز محمود است برای عروسی کردن و بنای عمارت یوم الاثنین
برای قرائت و بجهت تجارت و تحصیل معاش محمود است و پیغمبر ص بسیار مواظبت

بر روزه اول روزه پنجشنبه مینمود و فرمود که اینها دو روزند
که در ایشان اعمال بالا میروند و من دوست میدارم که عمل مرا بالا
برند در حالتی که صائم باشم و مکروهست در آن سفر کردن و طلب حوائج
بدلیل قول حضرت ع که مسافرت مکنید در روز دوشنبه و حاجت
طلب منمائید بدلیل حدیثی که از ابو ایوب خزاز مرویست که گفت چون
اراده کردیم که بیرون رویم آمدیم برای ابی عبد الله الصادق ع
سؤال کنیم پس آنحضرت فرمود که پندارید که برکت روز دوشنبه را طلب
کنید و میخواهید که سؤال کنید گفتیم آری فرمود از روز دوشنبه بشامت
روزی عظیم تر نیست که پیغمبر ص در این روز از عالم فانی رحلت کرد
و وحی از میان مردم مرتفع شد در این روز بیرون مروید الحدیث
در آیاتی که منسوبند بحضرت امیر المؤمنین ع ظاهر میشود که
سفر در این روز محمود است یوم الثلثا برای مریخ است و آن
منسوب نیکست برای ملاقات دشمن و جهاد کردن در راه
خدا و سفر بدلیل قول رسول خدا ص که فرموده که مسافرت کنید در
روز سه شنبه و حوائج خود را طلب کنید چه این روزیست که
خدای تعالی نرم کرد برای حضرت داود آهن را و در این روز حجامت
نیکو است یوم الاربعا بعطارد منسوبست نیکست برای تعلیم و تعلم

علوم حکمت و کتابت اهتمام و ابتدا کردن بامور چه در حدیث
آمده که هیچ امری نیست که ابتدا کرده شود آن در چهارشنبه
مگر اینکه تمام شود و آنجا میش دو امحمودات یوم الخمیس
برای تزویج نیکست و دیدن قضاة و حکام و علما و آمدن زیارت در این روز
بسیار مبارکست خصوصا برای طلب حوایج و ابتدای سفر بدلیل انکه ابتدا
که منسوبست بامیر المؤمنین و این روز اول ابتدای به فرزند
و طلب حوایج محمودست بدلیل قول حدیثی که از امام جعفر صادق روایت
که فرمود که رسول خدا در روز پنجشنبه سفر میکرد و میفرمود که روز
پنجشنبه محمودست نزد خدا و رسول و ملائکه یوم الجمعة
منسوبست بحضرت صاحب ... تزویج چنانچه در حدیث وارد شده
و مستحبست تراشیدن سر و گرفتن ناخن و سایر تنظیفات و تزیینات
خصوصا بطیب که لوازم این روز و فضل عظیم است و ثواب بسیار
هست در این روز فضایل بسیار بر سایر ایام هست چه بسیار آیات
و در حدیث آمده که آفتاب طلوع نکرده است در روزی ... بهتر
است از روزی که افضل از روز جمعه باشد و خوردن انار در شب
جمعه و روز جمعه فضل بسیار هست و در آن ساعتی هست که دعا در آن
مستجابست و در روز جمعه پیش از نماز سفر کردن مکروهست چه

در حدیث است که هر که در روز جمعه پیش از نماز سفر کند ملکی او را
نفرین کند که خدا او را برنگرداند یوم السبت بر جانب ... دارد
و برای اعمال فلاح و تقضای حوائج و گرفتن ... و ابتدای
نیکست بدلیل حدیث پیغمبر که فرمود که مبارک کرده شده
است برای امت شنبه و پنجشنبه ولیکن باید که کار ... واقع
شنبه کرده شود و سفر در آن مبارکست فصل در بیان
آنچه وارد شده است در احوال کار ... نیک و بد نسبت
بروز و ساعات ... ابو سعید خدری از پیغمبر
و علمای بسیار در آداب تزویج روایت نموده است که او
بد ... نموده بعضی امور که منسوبست بوقت ...
در ... میشود از آنجمله ... روز ...
... در حدیث ... است که ... ساعات
زوال روز پنجشنبه است بدلیل قول پیغمبر در وصیتی که علی را
فرمود که یا علی ... در روز پنجشنبه نزد قرب بودن آفتاب
پس از آن ... که ... شیطان نزد ... روز تا
... صاحب فهم بود و از سلامتی ... شود در دین و دنیا ...
... روز جمعه است چه ... ازینجمله ... است

در وصیتی که بعلی بن ابی طالب فرمود که یا علی اگر مجامعت کنی
روز بعد از عصر اگر فرزندت بهم رسد مردی معروف و مشهور و عمده
بود و از علما خواهد گردید و از آنجمله بعد از خفتن است در شب جمعه
بدلیل قول پیغمبر در وصیتی که بعلی کرد که یا علی اگر با اهل خود
شب جمعه بعد از خفتن نزدیکی کنی فرزندی که از آن بهم رسد امید
هست که یکی از ابدال شود ان شاء الله تعالی و از ساعتها که نه خوبست در
جماع بعد ظهر است بواسطه آنکه پیغمبر در وصایای خود
که بعلی بن ابی طالب کرد این بود که یا علی با زن خود مجامعت مکن بعد از
ظهر که اگر شما از آن فرزندی بهم رسد احول خواهد بود و شیطان
شاد میکند و از جمله ساعاتیکه مباشرت خوب نیست ساعت
اول شب است چرا که پیغمبر فرمود که یا علی مجامعت در اول ساعت
از شب که نصف رفته باشد بدانکه از این مجامعت زن بهم
خود این هست که متکبر و خیانت کننده دنیا بر آخرت باشد یا علی
این وصیت مرا حفظ کن چنانچه من در از جبرئیل حفظ کرده‌ام و
از زنا عزل کردن و از است و آن نصف النهار است بدلیل آنکه حضرت
امام محمد باقر را وقتی خبر رسید که مردی در تابستان در روز
نصف النهار زنی خواسته فرمود که من همچنین میدانم که بیند

با هم متفق خواهند شد پس چنان شد که آن حضرت فرموده
بود و ایشان از هم جدا شدند و از جمله ساعتها بعد از این اینست
از طلوع فجر است تا طلوع آفتاب و از غایب شدن آفتاب تا غایب
شدن شفق بدلیل آنکه حضرت امام محمد باقر را پرسیدند در وقتی از او پرسید
که آیا مکروه است مباشرت کردن در وقتی از اوقات هرچند حلال
باشد حضرت فرمود آری اوقاتی مکروه است مباشرت کردن
هست از آنجمله از طلوع فجر تا طلوع آفتاب از غروب آفتاب تا
غایب شدن شفق و از آنجمله وقت زردی آفتاب و وقت طلوع
آفتاب بدلیل فرموده رسول الله که چون شدن مکروهست هنگام
زرد شدن آفتاب هنگامیکه طلوع میکند تا وقتیکه سفید شود
[illegible] که مباشرت کردن در آنها خوب نیست و مکروهست
اول ماه و آخر ماه و وسط ماه چنانکه رسول ص در وصیتی چند که
بعلی بن ابی طالب کرده که یا علی مجامعت مکن با زن خود در اول ماه
و وسط ماه و آخر ماه بدرستیکه جنون و جذام و خبل بسرعت میکند
در این ایام به فرزند که از جماع در این ایام بهم رسد و از
جمله روز نیمه شعبان است و آن دو روز که در آخر ماه است
و آنرا محاق گویند و آن زمانیست که در آخر ماه است از رحم

آفتاب را دست بدلیل آنکه رسول خدا فرموده که یا علی مجامعت
مکن با زن خود در نیمه شعبان که اگر در میان شما فرزندی بهم رسد
میشوم خواهد بود و مجامعت مکن با اهل خود در آخر دو روز
از ماه هر گاه باند از ماه دو روز چه اگر از این مجامعت فرزندی بهم رسد
عشار و ملازم کار ظالم خواهد بود و هلاک قومی از مردم بدست او
خواهد بود و بدلیل قول حضرت امام موسی کاظم که مَن تَزَوَّجَ
فِی مُحَاقِ الشَّهْرِ فَلْیُسَلِّمْ لِسَقْطِ الْوَلَدِ یعنی هر که زن بستاند
در محاق ماه پس باید که ابا نکند از سقط فرزند و بر خود بگذارد زیرا
که فرزندش سقط شود پیش از تمامی زمان در هفتم و مثل این حدیث
از امام محمد باقر نقل شده الا اینکه صریحست در مباشرت و از
جمله روزها که مباشرت در آنها بدست و زینت که گرفته آفتاب باشد
و از آنجمله روزی است که باد سیاه یا سرخ یا زرد در روزی باشد یا زلزله
شده بدلیل قول حضرت امام محمد باقر وقتی که از او سؤال کردند
که آیا مکروهست جماع کردن در وقتی از اوقات هر چند حلال باشد
فرمودند آری در روزی که باد سیاه یا سرخ یا زرد وزیده باشد
و در روزی که زلزله شده باشد و از آنجمله وقتیست که قمر در عقرب
باشد بدلیل فرموده حضرت صادق که مَن سَافَرَ اَوْ تَزَوَّجَ وَ

الْقَمَرُ فِی عَقْرَبٍ لَمْ یَرَ الْحُسْنٰی یعنی هر که مسافرت کند یا عقد
نکاح زن بستاند در قمر در عقرب نیکوئی نبیند و از آنجمله قربت
در اثنای یک شب سه شنبه بدلیل قول پیغمبر در وصیتی
که بعلی بن ابی طالب کرد که یا علی اگر مجامعت کنی با اهل خود در
شب سه شنبه پس قضا چنین جاری شده باشد که بهم رسد آن
فرزند را شهادت روزی شود بعد از شهادت خدا و رسالت محمد
و عذاب نکند او را با مشرکین و دهانش خوشبو باشد و در
رحیم و دستش سخی و زبانش از کذب و غیبت و بهتان پاک و در شب
جمعه بدلیل قول پیغمبر در وصیت علی که یا علی اگر مجامعت
کنی در شب جمعه فرزندی که بهم رسد خطیب و سخن ور خواهد
و امیر المؤمنین فرموده که مستحب است مرد را که با اهل خود در شب
اول ماه رمضان مباشرت کند و از آنجمله شب عید قربان
است بدلیل قول پیغمبر که فرمود که یا علی لَا تُجَامِعْ اِمْرَأَتَكَ
لَیْلَةَ الْاَضْحٰی فَاِنَّهُ اِنْ قُضِیَ بَیْنَكُمَا وَلَدٌ یَكُونُ لَهُ سِتَّةُ اَصبع
یعنی یا علی مجامعت مکن با زن خود در شب عید قربان که اگر میان
شما از آن فرزند میشود شش انگشت خواهد بود و از آنجمله شب
چهار شنبه است چه که حضرت صادق فرموده که خوش ندارم

مرد که دخول کند بزن خود در چهار شنبه و از آنجمله جماع
کردن است که حضرت صادق ع فرموده که مکروهست جماع
کردن در آن شبی که ماه گرفته باشد و از آنجمله شبی که باد سیاه
یا سرخ یا زرد وزیده باشد یا زلزله شده باشد بدلیل قول ابا قرع
هنگامی که از او سؤال کردن که آیا مکروهست جماع در وقتی هرچند
حلال باشد فرموده در شب بادهای الوان و زلزله [illegible] در بیان
آنچه وارد شده است در باب سر تراشیدن و در آن نیکست روز آدینه — سر تراشیدن
حضرت صادق ع فرموده که من هر روز جمعه سر میتراشم و از روزهایی
که نوره کشیدن در آن مکروهست روز چهارشنبه است چه او روز — نوره کشیدن
نحسی است مستمر بفرموده امیر المؤمنین ع و در سایر روزها جایزست
و در حدیثی از حضرت امام رضا ع است که هر که روز جمعه نوره کشد
و برص بهم رساند پس ملامت نکند مگر خود را و پیغمبر ص فرموده که
پنج خصلت است مورث برص از آنجمله نوره کشیدن در روز جمعه است
[illegible] در بیان آنچه وارد شده است در باب ناخن چیدن و گرفتن — ناخن چیدن
شارب ناخن در روز جمعه نیکست بدلیل حدیثی که از حضرت صادق ع
مرویست که شخصی بخدمت آن حضرت عرض کرد که بما حدیث رسیده — شارب گرفتن
است که بافزود آورده نمیشود رزق بچیزی مثل تعقیب در ما بین

طی

طلوع فجر تا طلوع آفتاب آیا چنین است پس آنحضرت جواب
داد که آری چنین است و لیکن خبر دهم ترا بچیزی که بهتر
از این باشد و آن گرفتن شارب و ناخن است در هر جمعه
اما آن حدیثی که وارد شده که حضرت فرمود که هر روز خواهی
بگیر روایت که شخصی آمد بخدمت ابی الحسن و عرض کرد که اصحاب
ما میگویند که گرفتن شارب و ناخن در روز جمعه می باید
فرمود سبحان الله شارب چین و ناخن بگیر اگر خواهی روز
جمعه و اگر خواهی در سایر ایام محمولست بر اینکه راوی گمان
کرده بود که شارب گرفتن و ناخن چیدن در این روز لازمست
و می باید در غیر این روز حرام باشد پس حضرت رد آن نموده فرمود
که هیچ روزی از روزها لازم نیست و این باختیار تست اگر
خواهی روز جمعه و اگر خواهی روز دیگر در پنج روز علی الیقین لازم
نیست و این منافات ندارد باینکه گرفتن شارب و ناخن در روز
جمعه افضل باشد و ناخن چیدن در روز چهارشنبه ایمنست از چشم
درد بدلیل حدیثی که از حضرت صادق ع مرویست که فرمود که هر که در
روز چهارشنبه ناخن بچیند و ابتدا کند در گرفتن بانگشت کوچک
دست راست و ختم کند بانگشت کوچک دست چپ ایمن خواهد بود از چشم

سر خرد و در روز پنجشنبه ناخن گرفتن و از اتمام کردن در روز جمعه است
از فقر بدلیل حدیثی که از آن حضرت مرویست که فرمود که هر که ناخنهای
خود را در روز پنجشنبه بچیند و یکی را بگذارد برای جمعه خداوند عالمیان
فقر و درویشی را از او برطرف کند و در روز پنجشنبه ناخن گرفتن امانست
از چشم سرخ بدلیل حدیثی که از حضرت ابوالحسن مرویست که فرمود که مردی
خلف نام که از درد چشم بسیار پریشان بود که آیا دلالت نکنم ترا بچیزی که چون
آن را بعمل آوری آزار چشمت برطرف شود گفت بلی آن حضرت فرمود که در
هر پنجشنبه از ناخن کوچک خود بگیر آنگاه گوید چنین کردم آزار چشم بر
طرف شد و دیگر بهم نرسید و در روز شنبه ناخن گرفتن موجب امانست
چنانچه امیرالمؤمنین فرموده که هر که ناخنهای خود را بگیرد در روز شنبه
اکله در انگشتان او افتد و در روز یکشنبه موجب برطرف شدن برکتست
بدلیل آنکه از امیرالمؤمنین منقولست که هر که ناخنهای خود را در روز یکشنبه
بگیرد برکت از او برطرف شود و در روز دوشنبه موجب حفظ است بدلیل
فرموده حضرت امیر در ذیل حدیث مذکور سابق فرموده که ناخن گرفتن
در روز سه شنبه بیم هلاکتست و در روز چهارشنبه موجب بدخلقی است
و این نیز در ضمن خبری که مذکور مرقوم شده سابق از آن حضرت
مرویست که هر که چهارشنبه ناخن بگیرد بدخلق میشود ناخن گرفتن در

در روز پنجشنبه موجب بیرون رفتن درد است از بدن بدلیل حدیثی که قبلا
که قدری از آن مذکور شده مرویست که ناخن گرفتن در روز پنجشنبه
سبب بیرون شدن درد است و در روز جمعه سبب زیاد شدن عمر و مالست
بدلیل الحدیث آخر روایات سابقه مذکور است که ناخن گرفتن در روز جمعه موجب
زیادتی عمر و مال است

در بیان حجامت کردن و حجامت در روز پنجشنبه
نیکست بدلیل حدیثی که از حضرت صادق ع مرویست که هر که در روز پنجشنبه آخر
ماه حجامت کند کشیده میشود درد بهواری از بدن او و از آن حضرت روایت است
که درد در موضع حجامت مجتمع میشود پس وقتیکه زوال آفتاب شد
پراکنده میشود پس بگیر بهره خود را از حجامت پیش از زوال و حجامت
در روز یکشنبه شفا است از هر درد چنانچه از حضرت صادق ع مرویست
که الحجامة یوم الاحد فیه شفاء من کل داء یعنی حجامت کردن
در روز سه شنبه که هفدهم ماه یا نوزدهم یا بیست و یکم ماه اتفاق
افتد شفا است از درد تمام سنه بدلیل حدیثی که از پیغمبر صلعم مرویست
که فرمود که هر که حجامت کند سه شنبه که هفدهم ماه باشد یا نوزدهم
یا بیست و یکم آن حجامت شفای او باشد از درد همه سال و بدلیل روایت
دیگر که از آن حضرت روایت که هر که حجامت کند در روز سه شنبه هفدهم ماه
اتفاق افتد شفای تا یکسالست و حجامت بد است در نصف اول ماه

حجامت کردن

بدست بخلاف نصف آخر که نیکست و دران حجامت کردن بدلیل
حدیث پیغمبر که روایتست که آنحضرت خطاب کرد که ایاک والحجامة
فی اول الشهر الیوم النصف فی کل ایام یعنی ولکن علیک با
الحجامة من سبع عشر الی عشرین یوم شفاء و در اله
یعنی پرهیز از حجامت کردن در اول ماه تا روز نیمه ماه که در وی
امان تا نیمه که حجامت کند در دولت و علت بود لیکن برتو باد که حجامت کرد
از روز هفدهم تا ماه بیستم هر روز از روزهای مذکور حجامت
شفای دیگر است و حجامت کردن در روز شنبه و چهارشنبه
خوب نیست چراکه از پیغمبر صلعم در ذیل حدیث روایت که غیر
حجامت الاربعاء والسبت فانها یوم شاه و نحس یعنی حجامت
کردن در غیر این دو روز نیکو است غیر از حجامت چهارشنبه
که ازان بهم رسد از آنحضرت مرویست که هرکه حجامت کند
در چهارشنبه او را وجع بهم رسید پس ملامت نکند مگر نفس خود را
به اکثر از حکمای یونان منقولست که فصد و حجامت در نصف اول از
ماه عربی نهایت بغایت نفع در نصف آخر ماه عربی نافع است
غایت نفع داین جدول را برای استعمال نفع و ضرر آن در هر روز
از ماه وضع کرده اند حدیث که مذکور شد سابق مفید اینست

ورا

روز اول	مضرت بهم رسد	شانزدهم	[illegible]
دوم	[illegible]	هفدهم	صحت بدن آورد
سیم	صلاحی آورد	هجدهم	بدن را قوت بخشد
چهارم	خوف و هلاکی آورد	نوزدهم	[illegible]
پنجم	[illegible]	بیستم	صحت بخشد
ششم	[illegible]	بیست یکم	[illegible]
هفتم	نجات آورد	بیست دوم	دل را قوت دهد
هشتم	موجب ملالت	بیست سوم	شادمانی آورد
نهم	موجب درد آید	بیست چهارم	زردی رنگ برطرف کند
دهم	درد دل آورد	بیست پنجم	دل را صفا بخشد
یازدهم	[illegible]	بیست ششم	[illegible] گردد
دوازدهم	ضعف بدن آورد	بیست هفتم	از خوف ایمن دهد
سیزدهم	باعث رنج و ملالت	بیست هشتم	دل را قوت دهد
چهاردهم	[illegible]	بیست نهم	
پانزدهم	قولنج آورد	سیم	
[illegible]	چیزی نخورد	ن تعقد	[illegible]
بدلیل حدیثی که از شهاب	ابن عبد ربه مرویست که		

گفت شکوه کردم بحضرت ابی عبد الله الصادق علیه السلام از آنچه بمن
میرسد از دردها پس فرمود که چاشت کن و شام و میان ایشان
چیزی مخور که فساد بدن در چیز خوردن میان چاشت و شام
است نشنیده که حق سبحانه و تعالی میفرماید که وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ
فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا و ترک عشا مخرب بدنست چرا که مرویست
از امیر المؤمنین علیه السلام که عشای پیغمبران علیهم السلام بعد از نماز خفتن است پس مگذار
در ابد نسبت ترک عشا خراب بدنست بدلیل روایتی که از ابی الحسن الرضا علیه السلام
مرویست در حدیث که او در اعشا گوید که هر گاه آدمی ترک عشا
میکند آن رگی در بدن است در وی نفرین میکند تا صبح و اغرض اینست که میگوید بسر
بدار و حفظ از چنانکه مرا از سر گذاشتی و تو نیز بدار دترا چنانکه ترا تشنه
گذاشتی پس باید که چیزی بعد از شام عشا را ترک نکند اگر یک لقمه نان یا
یا شربتی از آب هر گاه مرد بسن کهولت رسد لازم است که ترک چیزی کند
در شب شام نخوابد چرا که از ابی الحسن الرضا مرویست که اذا اکتهل الرجل
فلا یدع ان یأکل باللیل شیئا فانه اهدء للنوم و اطیب
للنکهة یعنی چون مرد بسن کهولت رسد باید که چیز خوردن بشب را
ترک نکند که خواب بهتر می آورد و در خوشبو شدن دهن دخلی عظیم دارد
و ترک عشا در شب شنبه و شب یکشنبه از بیم است ضعف شدن قوت

دا بچهل

و تا چهل روز باد برنمیگردد خوردن هفت دانه خرما وقت خواب پدید
کرم معده را میکشد بدلیل حدیثی که از حضرت صادق علیه السلام مرویست
که فرمود خوردن هفت دانه خرمای عجوه نزد خواب کرمان شکم را میکشد
و خوردن بیست و یک دانه مویز سرخ در صبح دفع امراض میکند در حدیث
امالی از امیر المؤمنین فرمود که هر صبح بیست و یک دانه مویز سرخ بخورد بیمار نشود
الا مرض موت خوردن یک انار در روز جمعه منورات قلبست تا چهل
چنانچه از ابی الحسن مرویست که هر که در روز جمعه ناشتا اناری بخورد
تا چهل صباح دلش نورانی باشد و اگر دو انار بخورد تا هشتاد روز و اگر سه
انار بخورد تا صد و بیست روز وسوسه شیطان از او زایل شود و هر که
وسوسه شیطان از او دور شود عصیان خدا نمیکند و هر که خدا را
نافرمانی نکند داخل بهشت میشود پنیر خوردن در سر هر ماه نیکو است
چنانکه از حضرت صادق علیه السلام مرویست که خوب لقمه ایست پنیر دهن را
خوشبو میکند و اشتهای طعام می آورد میلکند که عادت
کند که در سر هر ماه پنیر بخورد نزدیک میشود باینکه حاجتش رد نشود
در روز شنبه ... است چرا که از حضرت صادق
مرویست که هر که اراده سفر کند باید که در روز شنبه
مسافرت کند چه بدرستیکه اگر روز شنبه سنگی از کوهی جدا کنند

خوردن غذا

خوردن موز

خوردن انار

خوردن پنیر

شود خدا یتعالی او را بمکان خود بر میگرداند و ایضاً
از حضرت صادق ع مرویست که در قول خدا عز و جل
فَاِذَا قُضِيَتِ الصَّلٰوةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْاَرْضِ وَابْتَغُوا مِن
فَضْلِ اللّٰهِ فرمود که مراد از صلوة نماز روز جمعه است و
بانتشار مراد از فانتشروا امر کردن عباد است و حرکت کردن
بطلب فضل خداوند در روز شنبه و جمعه در سفر کردن
خوبست و در شب جمعه محمود است بدلیل روایتی که از
حضرت صادق ع روایت کرده اند که فرمود که هر که در روز
جمعه سفر کند فرشتگان او را ثنا کنند که خدا یتعالی ترا بر نگرداند
و از آنحضرت مرویست که باکی نیست در بیرون رفتن بسفر
در شب جمعه و در چهارشنبه آخر سفر نیکست بدلیل حدیثی
که از حضرت صادق ع مرویست که آنحضرت بعضی مردم نوشتند
در جواب آنکه از آن پرسیده بودند که بیرون رفتن بسفر
در چهارشنبه آخر ماه بسفر بیرون رود و چون حضرت
فرمود که از هر آفت محفوظ و از هر علت بعافیت خواهد بود
و مراد بآن هنا طیره آنست که هرکه در چهارشنبه آخر ماه
بسفر بیرون رود برای مخالفت کردن اهل طیره آنجماعتی است

جمعه

که تطیر میکنند به بعض ایام و ساعات و بعضی از کارها در آن بعض
ایام یا بعض ساعات شوم میدانند و نحس مینگارند به دلیل اینکه از احادیث
اهل البیت علیهم السلام و بعضی روایات دلالت میکند بر اینکه
سفر کردن در روز چهارشنبه مکروه است

بیرون رفتن از اندرون در تابستان در روز پنجشنبه
و در زمستان باندرون رفتن در روز جمعه نیک است بدلیل
حدیثی که از حضرت صادق ع مرویست که فرمود رسول خدا چنین بود
که چون از اندرون در تابستان بیرون می آمد روز پنجشنبه بیرون
می آمد و چون خواستی که در زمستان از سرما باندرون رود در روز
جمعه باندرون میرفت و از ابن عباس مرویست که پیغمبر چنان بود
که چون تابستان داخل شدی در شب جمعه از اندرون بیرون می آمد و
چون زمستان داخل میشد باز در شب جمعه باندرون میرفت

ابتدا نمودن در کارها روز چهارشنبه نیکست
بدلیل روایتی که از رسول خدا مرویست که فرمود هیچ کاری نیست که ابتدا
کرده شود بآن در روز چهارشنبه الا آنکه تمام کرده شود و ابتدا نمودن
بکارها روز دوشنبه سبب میسر شدنست و بآسانی بدست می آید و متعلم را
سزاوار آنست که درس را اول روز بخواند چنانچه بعض علما گفته اند

بیرون رفتن از ...
فانه در ...

ابتدا امور

[illegible]

[illegible] هفت نوع است اول خواب غفلت دوم خواب شقاوت سیم خواب لعنت چهارم خواب [illegible] پنجم خواب [illegible] ششم خواب [illegible] هفتم خواب حسرت اما خواب غفلت [illegible]

[illegible]

هفت خواب غفلت

[illegible]

که بود حال [illegible] ما سوار [illegible] تا آن ساعت که [illegible]
آن بوده باشد تا اینکه استخراج بروفق [illegible] و این رقایق
که در این جدول [illegible] بر او [illegible] مشهور [illegible]
از [illegible] آسان [illegible] شده [illegible] نیک است تا ظهر
بعد از آن از عصر تا مغرب [illegible] نیک است طلوع [illegible] تا
و بعد از آن نارجات تا ظهر و بعد از آن از عصر تا [illegible] آخر روز
[illegible] شب [illegible] از زوال تا [illegible] نیک است و بعد از آن از عصر تا
[illegible] تا [illegible] و بعد از زوال تا [illegible]
[illegible] نیک است [illegible] طلوع [illegible] و بعد از [illegible] زوال تا
[illegible] تا طلوع آفتاب نیک است و بعد از آن از زوال تا
[illegible] تا چاشت نیک است و بعد از آن از زوال تا عصر
[illegible] در این جدول [illegible] هر [illegible] آنکه [illegible]
[illegible] الرحیم [illegible]
از جهت [illegible] جمله [illegible] آورده شد
نیک است برای [illegible] و [illegible] پوشیدن و حجامت و [illegible]
برای [illegible] نیک است برای [illegible]
تزویج [illegible] و کتابت نوشتن [illegible]

[illegible] روز [illegible]
[illegible] حمام رفتن و فصد کردن [illegible] نیک است [illegible]
[illegible]
[illegible] سهام یعنی تیر انداختن و تیر انداختن و [illegible]
پوشیدن و [illegible] و نیک است برای ناخن گرفتن و فصد و حجامت
[illegible] نیک است برای پوشیدن رخت [illegible]
و کتابت [illegible] و حمام رفتن و سر تراشیدن و نیک است برای تزویج
و بنای عمارت [illegible] نیک است [illegible] بود و [illegible]
[illegible] و اشتغال بکاری که متعلق با آتش بود و [illegible]
و ترتیب تخت و تزیین آن برای پادشاهان و بیع غلامان [illegible]
[illegible] نیک است [illegible]
[illegible]
[illegible] نیک است برای [illegible]
برای [illegible] کردن [illegible]
[illegible] کاری [illegible]
نیک است برای خوردن دوا و قی کردن و غرغره کردن [illegible]
[illegible] حمام رفتن [illegible]

بدات برای غیر این امور **قوس** برای تزویج و تعلم و تعلیم و
فصد و شکار نیکست و از برای بیع جواهر و حیوانات و پوشیدن رخت
و قرض کردن و سر تراشیدن و آشامیدن مسهل بدست **جدی**
نیکست برای زراعت و قنات کندن و رخت پوشیدن و شکار کردن
و تعوذ نمودن بخدا تعالی از شر خصوصاً وقتی که عطارد ناظر بوی قمر
باشد و از مکر و مکروهات برای سلاطین و تزویج و فصد **دلو**
برای زراعت و گرفتن عهد و پیمان محکم و فروختن غلام هندی
و فارسی و تعمیر حصون نیک است و برای اشتغال از خانه بخانه دیگر
تزویج و فصد بدست **حوت** نیکست برای فصد و گرفتن نان عن
و لقای اشراف و دعوت **خاتمه** در بیان آنچه از پیغمبر و اهل بیت او
روایت برای دفع نحوست ایام منحوسه و در بیان دعائی چند که آنها
تعلق باین مطلب دارد اینست سهل ابن یعقوب که ملقبست بابی نواس
روایت که گفت عرض کردم بخدمت ابی الحسن علی ابن محمد عسکری که
ای سید من بسیار از اخبار آیام که از حضرت صادق روایت شده است
مرا بشاده که در هر ماهی چند روز سعد و چند روز نحس است میخواهم
که آنرا بخاطر عرض کنم فرمود خوب است چون بر وی عرض کردم آنرا تصحیح
فرمود و حکم بر تمام آن نمود گفتم یا سید من در اکثر این روزها قرار

و مقاصد هست که آدمی اگر از پی کاری رود و بواسطه نحوست آنچه
در آن آفت آن کار ناتمام میشود پس دلالت کن مرا باحتراز نمودن از
مخاوف در این روزها باشد که ضرورتی باعث عارض شود مرا که
توجه در حوایج در آن روزها پس آنحضرت در جواب فرمود که یا سهل
شیعیان ما را بولایت ما عصمتی هست که اگر آن بدریا بار یا
عمیق روند یا میان درنده‌ها و کزنده‌ها و اعادی از جن و انس در
آیند هر آینه ایمن خواهند بود از مخاوف بسبب ولایتی که ایشان را
بامامت پس اعتماد بخدا عزوجل کن و در ائمه خود که همه طیب و
طاهرند مخلص و بیغش و صادق العقیده باش و بهر جا که خواهی
متوجه شو و هر مقصدی که داری از پی آن برو و در هر صبح و شام
سه بار این دعا بخوان و در حصین خدا از جمیع مخاوف داخل شو و در
از آنچه حذر میکنی و بیم داری اصبحت اللهم معتصما بذمامک
المنیع الذی لا یطاول و لا یحاول من شر کل غاشم و طارق من سائر
ما خلقت من خلقک الصامت و الناطق فی جنة من کل مخوف
بلباس سابغة ولاء اهل بیت نبیک علیه و علیهم السلام محتجبا
من کل قاصد لی باذیة بجدار حصین الاخلاص فی الاعتراف بحقهم
و التمسک بحبلهم جمیعا موقنا بان الحق لهم و معهم و فیهم و بهم والی

دعای سفر کردن ابتدا امورات

والوا واجانب من جانبوا فصلّ على محمّد وآل محمّد وأعذني اللهمّ
بهم من شرّ ما أتّقيه يا عظيم حجزت الأعادي عنّي ببديع السّموات
والأرض إنّا جعلنا من بين أيديهم سدّا ومن خلفهم سدّا فأ
غشيناهم فهم لا يبصرون پس چون خواهی که در روزی که از پی
کاری بباید رفت متوجه امری شوی و از پی آن امر بروی پیش به
از توجه سورهٔ حمد و معوذتین و اخلاص و آیة الکرسی و سورهٔ
قدر و پنج آیه از سورهٔ آل عمران بخوان و آن پنج آیه اینست انّ
في خلق السّموات والأرض واختلاف اللّيل والنّهار لآيات لأولي
الألباب الّذين يذكرون الله قياما وقعودا وعلى جنوبهم ويتفكّرون
في خلق السّموات والأرض ربّنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك فقنا
عذاب النّار ربّنا إنّك من تدخل النّار فقد أخزيته وما للظّالمين من
أنصار ربّنا إنّنا سمعنا مناديا ينادي للإيمان أن آمنوا بربّكم
فآمنّا ربّنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفّر عنّا سيّئاتنا وتوفّنا مع الأبرار
ربّنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيامة إنّك لا تخلف
الميعاد و بعد از آن بگو اللّهمّ بك يصول الصّائل وبقدرتك يطول
الطّائل ولا حول لكلّ ذي حول إلّا بك ولا قوّة يمتازها ذو قوّة
إلّا منك بصفوتك من خلقك وخيرتك من بريّتك محمّد نبيّك و

عترته

عترته وسلالته عليه وعليهم السّلام فصلّ عليه وعليهم
السّلام فصلّ عليهم واكفني شرّ هذا اليوم وضرّه وارزقني خيره
ويمنه واقض لي في متصرّفاتي بحسن العافية وبلوغ المحبّة والظّفر
بالأمنية وكفاية الطّاغية الغويّة وكلّ ذي قدرة لي على أذيّة
حتّى أكون في جنّة وعصمة من كلّ بلاء ونقمة وأبدلني من المخاوف
فيه أمنا ومن العوائق فيه يسرا حتّى لا يصدّني صادّ عن المراد
ولا يحلّ بي طارق من أذى العباد إنّك على كلّ شيء قدير و
الأمور إليك تصير يا من ليس كمثله شيء وهو السّميع البصير
علی بن اسباط از حضرت بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق ع روایت کرده
است که آنحضرت فرمود که مرا با مردی قسمت زمینی بود و آن مرد نجومی و
پس منجوی ساعت سعدی بود که در آن ساعت بیرون رود برای قسمت آن زمین
ساعتی نیک اختیار نمود برای بیرون رفتن و در آن ساعت بیرون رفت و
من در ساعت نحس بیرون رفتم پس چون زمین را قسمت کردیم بهتر قسمتها
بمن افتاد پس آن مرد در تعجب ماند و دست بر دست میزد و میگفت هرگز مثل این
روز ندیده ام گفتم چون و چه چیز است آنکه ترا در تعجب افکنده است گفت
بدرستیکه من صاحب نجوم و علم نجوم را میدانم بیرون آوردم ترا در ساعت
نحسی بیرون رفتی من در ساعت سعد بیرون آمدم پس چون زمین را قسمت نمودیم بهتر

قسمتها برای تو بیرون آمد گفتم آیا حدیث نکنم ترا الحدیثی که حدیث
کرد مرا پدرم بآن که گفت رسول خدا فرموده است که هر که میکند
باینکه خداوند عالمیان نحوست روز شر را دفع کند پس باید که در اول
آن روز تصدق بکند تا اینکه نحسیت آن روز برای آن برطرف شود و کسی که
بخواهد که نحوست شبش را برطرف کند پس باید که افتتاح کند آن شب را
بصدقه تا دفع شود از او نحوست آن شب پس گفتم من چنین کردم بودم که
افتتاح کردم بیرون رفتن خود را برای قسمت زمین بصدقه پس ای ابن
عمل کن که بهتر است برای تو از علم نجوم **وایضاً** از ابن عمیر مرویست که گفت
من نظر میکردم در نجوم و معرفتی در نجوم داشتم و طالع را میشناختم
پس وقتی مرا از این چیزی داخل شد که گاه باشد که غلط کنم در حساب
و باعث شد که در کارها و امری بردم و آنچه را سعد گمان کردم نحس باشد
و از آن سبب آزار میافتم پس شکوه کردم از این بخدمت ابی الحسن موسی ابن
جعفر علیهما السلام فرمود که هر گاه در دل تو چیزی بشکند پس تصدق
کن دانه بر هر کاری که خواهی برو که خدای عز و جل آنرا از تو دفع کند **در بیان**
در کسوف و خسوف از ائمه روایت شده غیر آنچه منجمان اعتقاد دارند چه
ایشان میگویند که علت کسوف و خسوف حیلولت است که مقتضای حرکات
فلکیات و از جمله آنچه از ائمه در این باب حدیث وارد شده حدیثی است

که از

در خسوف کسوف ۳

که از علی بن الحسین مرویست که فرمود که از جمله قدرتهائی که خدای تعالی
برای تدبیر عالم مقدر کرده و احتیاج بآن دارند در روایتی که خدای تعالی آفتاب را میان
آسمان و زمین آفرید و فرمود که مقدر کرده است در آن دریا مجاری آفتاب
و ماه و نجوم و کواکب را همه بر فلک مقدر کرده و بعد از آن موکل کرده است
بفلک ملکی که با او هفتاد هزار ملک که ایشان فلک را دور میدهند
آفتاب و ماه و نجوم و کواکب با ایشان میگردند و در منازلی که خدای تعالی
برای آنها در شبانه روزی در آن گردیدن مقدر کرده نازل میشوند پس
چون گناهان بندگان بسیار شود خدای تعالی خواهد که ایشان را آیاتی از آیات
قیامت بترساند که بچشم خود ببینند روز قیامت را بخاطر آورند و از
گناهان باز ایستند امر میکند آن فرشته را که موکل است بفلک که آن فلک را
که مجاری آفتاب و ماه و نجوم و ستارگان و کواکب است از جای خود برکند
پس امر میکند آن ملک را و هفتاد هزار ملک را که با او یند آن فلک را
از مجاری مذکوره دور کنند پس او را از جای خود میکنند و در می یابد پس
آفتاب از جای خود منتقل میشود در آن دریا که در فلک جاریست پس نور
آن مستور میگردد و رنگش متغیر میشود پس چون خدای تعالی خواهد که
این آیه را عظیم گرداند آفتاب را در دریا پنهان میکند و غرق میشود آن مقدار
که خواهد خلق خود را بآن آیه بترساند بعد از امور مذکوره دیر گرفتن آفتاب

وفرمود که چون خواهد که آفتاب را از آن گرفتگی بیرون آورد در گذرد را
بمجرایی که در فلک دارد امر میکند آن ملکی را که موکلست آن فلک را بمجرای
خود بر گرداند پس آن ملک چنان کند پس آفتاب بمجرای خود بر گردد
بیرون آید از آب تیره و فرمود که شما نیز چنین است بعد از آن علی
فرمود که بدرستیکه خوف هم نمیرسد شما را و پناه نمیبرد بجناب این روایت
شخصی که از شیعیان ما باشد پس هرگاه یکی از اینها واقع شود پناه برید بسوی
خدای عزوجل و بازگشت کنید بسوی او جل جلاله از کردار بد خود نصیحت
کاملا ایها الاخوان فی الله بپرهیزید از اینکه عمل باین احادیث
و امثال این را حقیر شمارید چه این اخبار نور ایشان درخشنده است از مطلع
نبوت بر افق امامت از جانب اقدس الهی و خود را دور دارید از اینکه باین
اخبار استخفاف کنید و سبک شمارید چرا که در تحت آنها اسرار و دقیقه چند
هست مخفی و پنهان که تعقل نمیکنند آنها را مگر ارباب علم و دانش که در آیات
احکام تفکر میکرده باشند و هیچ چیز از آنها از حکمتی و مصلحتی خالی نیست
و بمجرد اینکه شما را بآن حکمتها و مصلحتها علمی نباشد آنها را اهمال میکنید و

والله الموفق والمعین وعلیه التکلان

بید اقل الطلبه محمد تقی ابن ملا حسین السبزواری [illegible] الاربعه

قد فرغ من کتابة الرساله فی یوم الاحد فی السادس والعشرین من شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۴۱